

نگاهی به ضعف آثار تولیدشده برای نوجوانان

شاه‌کلیدهای جدایت که داستان‌های ما ندارند!

میتهم رشیدی مهرآبادی	
دبیر قفسه کتاب	

این‌که یک ناشر، فهرست داستان نوجوان را به دایره کتاب‌هایش اضافه کند، البته که کاری شایسته و قابل توجه است اما باید دید آثاری که در این زمینه منتشر می‌کند، چقدر واجد استانداردهای ادبی و داستانی است و چقدر می‌تواند مخاطب خاص خود یعنی نوجوانان را جذب کند؟ از جمله ویژگی‌های کلیدی که یک داستان را برای نوجوانان جذاب می‌کند، سرعت روایت بالاست. آنها تحمل پِرقویی و توصیفات طولانی را ندارند. داستان باید زود شروع شود و ضرباهنگ تندی داشته باشد. حالفرض کنید در یک داستان، دست مخاطب را بگیریم و به خانه‌ای در جنوب شهر تهران در ابتدای دهه ۶۰ ببریم، فضایی که نه‌تنها نوجوان امروز که حتی برخی میانسالان هم باویژگی‌های آن مانوس نیستند. نوجوان امروزی می‌خواهد با شخصیت‌های چندوجهی و باورپذیر روبه‌رو باشد. این مخاطبان دوست دارندشخصیت‌هایی را ببینندکه کامل نیستند؛ اشتباه می‌کنند، عصبانی می‌شوند و احساسات واقعی دارند. حالا اگر در این میانه بخواهیم شخصیت یک شهید یا قهرمان ملی را معرفی کنیم، کارمان به مراتب سخت‌تر می‌شود.

زبان انتخاب‌شده در اثر هم باید نزدیک به زبان نوجوان باشد. استفاده از زبانی که نه بیش از حد رسمی باشد و نه بیش از حد عامیانه و زودگذر. همین یک ویژگی هم کافی است که هر کسی با هر توانی دست به نوشتن داستان برای نوجوانان نزند.

تأثیر جهانی هم مؤلفه مهم دیگری است که در داستان‌های نوجوان باید به آن توجه داشت. حتی اگر داستان در ایران رخ دهد، موضوعات آن باید جهانی باشد تا نوجوان احساس نکند در حال خواندن یک داستان صرفاً محلی است. احاطه نوجوان امروزی توسط رسانه‌های فراگیر، نگاهی جهانی به او داده و اگر نسبت موضوع مطرح‌شده با جهان را کشف نکند ترجیح می‌دهد آن را نخواند. در این میان چالش‌های دیگری هم ادبیات نوجوان را مورد تهدید قرار می‌دهد تا جایی که در بازار کتاب به صورت قابل توجهی اثر گذاشته و ناشران را به سمت انتشار آثار ترجمه، متمایل کرده است.

بسیاری از آثار تولیدشده برای نوجوانان (به‌ویژه آثار با حمایت نهادهای دولتی) هنوز با نگاهی آموزشی و نصیحت‌گونه نوشته می‌شوند. این رویکرد که اغلب با هدف انتقال مستقیم پیام و ارزش‌های اخلاقی و تربیتی صورت می‌گیرد، باعث می‌شود ادبیات از هدف اصلی خود یعنی لذت بردن و سرگرم‌سازی فاصله بگیرد و برای مخاطب نوجوان (که به‌دنبال استقلال فکری است) کسل‌کننده و پس‌زننده باشد.

دومین چالش این است که در مقایسه با آثار ترجمه‌شده موفق، برخی منتقدان معتقدند ادبیات تألیفی نوجوان از نظر ساختار داستانی، شخصیت‌پردازی‌های هیجان‌انگیز و نوآوری در محتوا، ضعف دارد. ضعفی که در بازار کتاب نوجوان هم به‌خوبی خود را به نمایش گذاشته است. چالش دیگر این است که متأسفانه محدودیت‌های محتوایی، به‌ویژه در طرح موضوعاتی که مستقیماً به مسائل و دغدغه‌های روز و جهانشمول نوجوانان مانند هویت‌یابی، روابط، نقد اجتماعی یا ترس‌های عمیق می‌پردازند، خلایقیت نویسنده را محدود کرده و مانع تولید آثار جسورانه و همخوان با نیازهای نسل جدید می‌شود.

واقعیت این است که بزرگ‌ترین رقیب کتاب، دیگر کتاب نیست! فضای مجازی، گوشی‌های هوشمند، بازی‌های رایانه‌ای، بیوانیمایی‌ها و شبکه‌های ویدئویی با جاذبه‌های بصری قوی و دسترسی آسان، ذائقه نوجوانان را تغییر داده و سهم کتاب را در سبد سرگرمی آنها به‌شدت کاهش داده‌اند. در همین اوضاع، ناشران به دلایل اقتصادی و جذابیت اثبات‌شده آثار پرفروش جهانی، تمایل بیشتری به چاپ کتاب‌های ترجمه دارند.

این موضوع هم انگیزه برای نویسندگان داخلی را کاهش داده و هم باعث شده بازار با داستان‌هایی با زمینه‌های فرهنگی عمدتاً غربی پر شود. همین عامل باعث شده ادبیات نوجوان ایران به‌دلیل ضعف در معرفی و بازاریابی جهانی، جایگاه خود را در محافل بین‌المللی به‌دست نیاورد.

«شاه است حسین» روایتی مردانه است

علیرضا میرشکار، نویسنده و پژوهشگر بومی سیستان و بلوچستان درباره تازه‌ترین اثر خود با نام «شاه است حسین» به مهر گفت: از زوار پاکستانی اربعین تا به حال به هیچ عنوان روایتی وجود نداشت به غیر از این‌که مثلاً تعدادی خبرنگار در مرزهای میرجاوه و ریندان در موکب‌ها حضور پیدا می‌کردند و مصاحبه‌ای گرفته می‌شد. روایت‌هایی که از آنها جمع‌آوری می‌شد بسیار جسته گریخته

حسن مجیدیان	
نویسنده	

عایده سرور، بانویی است رنج‌کشیده و مبارز از لبنان قهرمان. او مادر شهید علی‌عباس اسماعیل، از شهدای جوان حزب‌الله لبنان است که در دفاع از حرم و مقدسات در سوریه به‌شهادت رسید. عایده علاوه بر علی، دو فرزند دیگر هم دارد، اما حکایت شهید ۱۷ساله و باکرامت این کتاب، چیز دیگری است. معروف است که فرزندان یک خانواده هرقدر هم خوب باشند، فرزند شهید آن خانه، ویژگی و امتیاز دیگری دارد. برای شناخت تمایز علی، باید کتاب عایده را با دقت از نظر گذراند تا در خلال فصل‌های به‌هم‌پیوسته آن، ویژگی‌های خاص مادر و پسر نمایان شود.

زندگی مبارزاتی یک مادر

کتاب به‌جای این‌که از علی داستان را شروع کند اول سراغ خود عایده می‌رود. عایده دختری است که با اصرار بر انتخاب چادر علی‌رغم مخالفت مادر، با سرک‌کشیدن به برنامه‌های مذهبی در محل و سراغ‌گیری از شخصیت‌های مذهبی، با اصرار به انتخاب شریک زندگی از اهالی مقاومت و ازدواج با عباس که عضو حزب‌الله است و با همین دست‌فرمان، فرستادن بچه‌ها به حزب‌الله و تربیت آنها بر مدار زندگی جهادی و ... پای در مسیر دشوار و سخت اما شیرینی می‌گذارد. عایده، زود بزرگ و خانم می‌شود. داستان عایده داستان و نمونه‌عینی زن مبارز در جهان جدیدی است که با این پدیده‌ها سخت کنار می‌آید. در تاریخ آن روز لبنان، لبنان دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی، علی‌رغم ریشه‌های مذهبی مردم، عایده پدیده‌ای شگفت است. حتی برای خانواده و مادرش که او را با چادر بچامی‌آوردند!

پیشنهاد ویژه

در آستانه «روز جهانی معلولین» به نسبت ادبیات با این قشر از جامعه پرداختیم

آیا آماده شنیدن صدای معلولین هستیم؟

زینب‌غل‌محمدی	
قفسه کتاب	

آگاهی عمومی درباره حقوق، کرامت و وضعیت معلولین در همه جنبه‌های زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. سازمان ملل می‌خواست توجه جامعه جهانی را به چالش‌های پیش روی این افراد جلب کند. البته این روز به‌دنبال ترویج مشارکت کامل و برابر افراد دارای معلولیت در جامعه هم هست. روز جهانی معلولین در سال ۱۹۹۲ به‌طور رسمی توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلام شد. این روز فرصتی است برای یادآوری و تأکید بر اجرای کامل «کنوانسیون حقوق معلولین»؛ معاهده‌ای بین‌المللی در حوزه حقوق بشر که از سال ۲۰۰۸ لازم‌الاجرا شده و هدف آن تضمین برابری کامل معلولین با دیگران در برخورداری از همه حقوق انسانی و آزادی‌های اساسی است.

به همین مناسبت سراغ چند عنوان از کتاب‌های قابل توجه درباره معلولین رفتیم تا از منظر ادبیات و کتاب هم این روز را یادآوری کرده و گرامی بداریم.

رویکرد به معلولیت در ادبیات معاصر

به‌طورکلی، می‌توان رویکرد ادبیات معاصر به موضوع معلولیت را در چند مرحله کلیدی تقسیم‌بندی کرد. در آثار اولیه، شخصیت‌های معلول اغلب به‌صورت قربانیان ترازیک، یا افرادی نیازمند ترجم و دلسوزی تصویر می‌شدند. همچنین گاهی معلولیت به‌عنوان یک عامل بیرونی برای ایجاد ملودرام، برانگیختن احساسات خواننده یا توجیه بدبختی شخصیت اصلی به کار می‌رفت و کمتر به ابعاد روان‌شناختی و اجتماعی زندگی فرد معلول پرداخته می‌شد. تمرکز هم بیشتر بر جسم ناقص و محدودیت‌های فیزیکی بود تا توانمندی‌ها و روحیه فرد. در سال‌های پس از جنگ تحمیلی و دفاع مقدس، با افزایش تعداد جانبازان، رویکرد به سمت قهرمان‌سازی حرکت کرد و معلولیت به‌عنوان نشان افتخار و ایثار تلقی می‌شد. در این دوره، تلاش شد تا

بود و انسجام کافی نداشت. زمانی که به لطف خدا و عنایت امام حسین (ع) کار را شروع کردیم، کوشیدیم روایت‌های بسیاری را پوشش دهیم. علت عدم همکاری خانم‌ها فضای کشور پاکستان برمی‌گردد که یک فضای سنتی و غیرتی است. در سال ۱۴۰۱، هنگام اولین اعزام ما به مرز برای انجام مصاحبه‌ها، تنها توانستیم ۳۹ گفت‌وگو ثبت کنیم که از این میان، فقط یک خانم در بین این مصاحبه‌شونده‌ها وجود داشت و باقی آقا بودند.

سال بعد نیز خودم توفیق صحبت مستقیم با بانوان را نداشتم؛ اما به لطف خدا، در میانه راه با خانم فاطمه باری آشنا شدیم که اشتیاق فراوانی به زبان فارسی داشت.

کتاب شاه است حسین در حال حاضر تنها به روایت مردان زائر پاکستانی می‌پردازد و قرار است روایت بانوان به‌شکل کاملاً مستقل ارائه شود. این امکان وجود دارد که حتی عنوان کتاب نیز تغییر کند.

عایده خودش را داوطلبانه و با چشم باز به جهان و زیست مقاومت می‌اندازد و رنج این سیر و سفر جانکاه را به جان می‌خرد. جهاد یعنی انجام فعل سخت و این با تن آسایی و زندگی معمولی، تفاوت‌ها دارد. این راه هزینه‌زا و محرومیت‌زاست، تردیدها و لطمات دارد. اما عایده همه را شیرین می‌بیند. البته در اینجا از شوهر مقاوم عایده که همپای او در سفر و دایی مذهبی عایده که حامی و مشوق او در مسیر بوده هم باید به نیکی نام برد. کتاب علاوه بر معرفی ابعاد شخصیت و خلقیات خاص عایده، پدر و مادر او و برخی دوستان و مادران شهدا و دیگران را هم تا حد مقبولی معرفی و شخصیت‌پردازی کرده و از نقش رهبران مصلح اجتماعی و روحانیت مبارز مرتبط با فرهنگ جهادی هم پرده‌برداری می‌کند.

لبنان‌شناسی از دریچه مقاومت

داستان عایده فقط روایت دلدادگی مادر به علی نیست. فقط یک تجربه زیسته ناشناخته نیست. لبنان را می‌شود تا حدود زیادی از کنار این زندگی شناخت. لبنان ۴۰–۳۰ سال پیش، لبنان امام‌موسی‌صدر، لبنان در آستانه انقلاب ایران، لبنان همزمان با تولد و نشوونمای حزب‌الله، مزاحمت روزانه اشغالگران و میزان نفوذ و اشغال سرزمینی لبنان توسط باند جنایتکار،

برش

روایت هنرمندانه خانم نویسنده

کتاب عایده را با هنرمندی و رنج و سلیقه و دقت نظر، محبوبه رضوی نیا با رفت‌وآمدها و مصاحبه‌های مکرر و طاقت‌فرسا به‌همراه باورقی‌های به‌دردبخور و جامع، جفت‌وجور کرده و به‌سرانجام مطلوب‌رسانده. کاری تحسین‌برانگیز و ستودنی از ایشان و از انتشارات سوره‌مهر که در این دست کارها نمونه و پیشتاز است. رضوی نیا در عموم کارهای خودش همین

سختی را متحمل شده و از دقت نظر و هنرمندی دست نکشیده است. در «زمینی که مرا بالا برد» با حوصله پای صحبت سیدرسول موسوی، مجاهد عراقی نشسته و تفاوت موسوی را با انبوه آدم‌های دور و برمان نمایان ساخته و در «بازدار» هم با موسوی دیگری از عراق را معرفی کرده است. عموم کارهای رضوی نیا به‌خاطر همین دقت و وسواس و صبر و حوصله‌ای که برای پروژه گذاشته، خواندنی و قابل اعتماد و اتکاست؛ اما باید اذعان کرد کتاب عایده با طعم و بوی شهادت و با زندگی کرامت‌آمیز شهیدش، برجسته‌تر

علی و سیر صعودی یک شهید

اما مغز کتاب، داستان علی است. آنچه که از ابتدای تولد علی تا شهادت او در این کتاب به تصویر کشیده شده، سیر صعودی و روبه‌رشد شهید است. ما آدم‌ها اگر هم سیری را شروع می‌کنیم، یا در میانه راه نیمه‌کاره رهایش می‌کنیم یا از مسیر منحرف می‌شویم

از مایقی کارهای نویسنده به‌نظر می‌رسد حلاوتی خواستنی و شیرین دارد. کتاب مانند برنجی خوش‌پخت و دم‌کشیده، شامه را می‌نوازد و اشتهای مخاطب را برای خواندن آن برمی‌انگیزد. کاش این کتاب را همه بخوانند. به‌ویژه دختران جوان این مرزوبوم. آنها با خانم عایده سرور می‌توانند به قله‌ها برسدان‌شاء‌الله.

شصت

«شصت» روایتی است از تلاش برای زنده ماندن کودکی که در آغازین روزهای دنیا آمدن درگیر بیماری سختی شده. خاطرات پدر و مادری که کودک‌شان در نوزادی دچار بیماری سختی شده باشد، تلخ و اندوهناک است اما مقاومت، امید و عشق جاری در این ماجرا زیبا و شنیدنی است. عشق میان والدین و فرزند نوع نایابی از محبت است که وقتی با بیان مادرانه خانم مرضیه اعتمادی همراه شود پای منطق دنیا را خواهد شکست. این اثر را انتشارات امیرکبیر برای همه کسانی که چاپ رسانده که همیشه کودکان را دوست دارند. مرضیه اعتمادی درباره کتابش گفته: بعد از نوشتن فهمیدم می‌توانم با تیشه کلمات دیوار بین خودم و جامعه را خراب کنم؛ دیواری که تک‌تک آجرهایش با روزهای سخت دست و پنجه‌نرم کردن با بیماری فرزند روی هم گذاشته شده بود. با نفس کشیدن در فضای بیمارستان، لایه‌لای بوی الکل و مواد ضدعفونی‌کننده. فهمیدم حرف زدن از بیماری آن را کوچک و حقیر می‌کند و با حرف زدن می‌توانم رفتارهای غلطی را که از سمت جامعه و نظام درمان کشور در مواجهه با فرد بیمار و بیماری هست اصلاح کنم.



پروانه‌ها گریه نمی‌کنند

مرضیه اعتمادی

کتاب «پروانه‌ها گریه نمی‌کنند» پیشگام هم‌صحبتی و گفت‌وگوی بی‌واسطه در تفاوت‌ها و معلولیت‌های جسمی و ذهنی مختلف است. نویسنده که مادر یک کودک کم‌است، هدف خود را از گردآوری این روایات بازکردن دریچه‌ای به دنیای کمتر شناخته‌شده معلولیت عنوان کرده. وی بیش از این‌که «شصت» را در روایت بیماری و معلولیت جس و ذهنی دخترش (زینب) نوشته بود. او از چاپ کتاب شصت و بزرگ‌تر شدن زن مواجه‌اش با معلولان و خانواده آنها افز یافت و بادیدن دغدغه‌ها و مشکلات‌شان از لازم برای نوشتن از زوایای مختلف و پنهان‌ها معلولیت را پیدا کرد و کتاب پروانه‌ها نمی‌کنند را نوشت. اعتمادی در مقدمه که اشاره کرده که بچه‌های دارای معلولیت پروانه هستند، چون در عین زیبایی و لطا به‌شدت آسیب‌پذیرند و به‌راحتی می‌توانن یک حرف یا نگاه بشکنند. باید آداب برخورد آنها را یاد بگیریم، درهای جامعه را بروی بگشاییم و اجازه دهیم از بیله ناتوانی و بیرون بیایند و شگفتی بال‌های‌شان را با چشم‌ما به‌نمایش بگذارند.

